



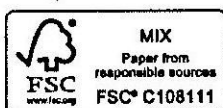
www.ketab.ir

خانه‌ای میان کاج‌ها

سری کتاب‌های گنجینه | درمان جهان

آنا ریس

سارا روستا



نشان استاندارد کاغذ بالک سوئد

www.ketab.ir

سرشناسه: ریس، آنا، ۱۹۷۴ م.

Reyes, Ana

عنوان و نام پدیدآور: خانه‌ای میان کاج‌ها/ آنا ریس / مترجم: سارا روستا
مشخصات نشر: تهران: انتشارات شالگردن، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص.

فروست: سری کتاب‌های گنسی | رمان جهان.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۳۰-۲۵-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: [2023], The house in the pines : a novel,

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۱ م.

American fiction -- 21st century

شناسه افزوده: روستا، سارا، -۱۳۷۲، مترجم

رده بندی کنگره: PS۶۱۰

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۱۴۶۷۴

شالگردن
ناشر تخصصی هنر و ادبیات



www.ketab.ir

خانه‌ای میان کاج‌ها
آنا ریس
سارا روستا

نشر: شالگردن
تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۳
صفحه‌آرایی و طرح جلد: استودیو شالگردن
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: سازمان چاپ تهرانی
حق چاپ و انتشار انحصاراً در اختیار نشر شالگردن می‌باشد.
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۳۰-۲۵-۶

🌐 www.ShalgardanPub.com

📧 Shalgardan.Pub

☎ 09392908803

✉ Shalgardan.Pub@gmail.com

☎ 09122908803

📍 <https://t.me/ShalgardanPub>

مقدمه:

در اعماق این جنگل، خانه‌ای وجود دارد که به سادگی نمی‌توان از آن عبور کرد. اکثر مردم در واقع فقط نگاهی به آن می‌اندازند و اصرار دارند که آن‌جا خانه‌ای وجود ندارد. آن‌ها به‌طور قطع در اشتباه نیستند. چیزی که آن‌ها می‌بینند فقط بقایای یک خانه است، یک پایه‌ی در حال فروپاشی که با علف‌های هرز در میان انبوه جنگل می‌خزد. خانه‌ای که برای مدت‌های طولانی متروک مانده، اما این‌جا، با دقت به زمین نگاه کنید، به بتنی که توسط خورشید و یخ، زخمی شده است. این‌جا یک آتشگاه است. اگر به اندازه‌ی کافی عمیق نگاه کنید، جرقه‌ای در آن شعله‌ور می‌شود که اگر روی آن بدمید، به شعله‌ای تبدیل خواهد شد؛ نوری گرم در این جنگل تاریک و سرد.

اگر به خاطر سرما به آن نزدیک‌تر شوید، قدرت آتش قوی‌تر خواهد شد، دود را به داخل چشمان‌تان هدایت خواهد کرد، دودی رقصان با بوی کاج سوخته که عطر شیرینی دارد و سپس همانند بوی کت یک مادر، ملایم و دلنشین می‌شود. یک زن در اتاق بغلی زمزمه می‌کند. بچرخ و ببین که این‌جا دیوارهای خجالتی مثل آهوهایی که از درخت‌ها بیرون می‌آیند، دائماً نزدیک‌تر می‌شوند. بتن منجمد به یک فرش تبدیل شده. کفش‌هایت را دریابور و مدتی در این‌جا بمان. بیرون باد شدت گرفته و صدای تق‌تق یا بچ‌بچی با سرعت، نزدیک‌تر می‌شود. پنجره‌ها باید حایلی باشند در برابر ورود

این صداها. برف ملایمی از آسمان می‌بارد و این خانه‌ی دنج را تماماً پوشانده است. «شب‌به‌خیر خانه‌ی کوچک و شب‌به‌خیر موش.» به یاد آوردی؟ برای یک‌بار هم که شده، هیچ دلیلی برای بلند شدن و هیچ‌کسی برای تعقیب کردن یا فرار وجود ندارد. از آشپزخانه بوی خانه می‌آید و صدای سرخ شدن چیزی در روغن. روزگاری دنیا این‌گونه بود، قبل از اولین قولنج، اولین جوش، اولین گم شدن و به همین دلیل است که همه‌ی این کارها را برای زنده ماندن انجام می‌دهیم. «شب‌به‌خیر هیچ‌کس، شب‌به‌خیر صدای مزاحم و شب‌به‌خیر بانوی پیری که زمزمه می‌کند: ساکت... شیششش...» امشب را خوب بخوابید، زیرا وقتی بیدار شوید، این خانه از بین خواهد رفت.